



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

مروری بر مفهوم کارآفرینی و بایسته های آن در نظام آموزش و پرورش

پروین باقرزاده^۱، الیاس امیدي سوق^۲، یارمحمد کریمی^۳، نجات نجات پور^۴

۱- کاردانی آموزش ابتدایی مرکز ضمن خدمت فرهنگیان

۲- کارشناسی ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور دوگنبدان

۳- معاون اجرایی مدارس اداره آموزش و پرورش شهرستان بهمنی

۴- کارشناسی ارشد برق قدرت دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

p.bagherzadeh88@gmail.com

چکیده

آموزش کارآفرینی یکی از رشته های نوین در آموزش است و این رشته جدید از حوزه ای که عمدتاً به مشاغل کوچک مربوط می شود، به سمت افزایش نگرش ها و مهارت های کارآفرینی دانش آموزان گسترش یافته است. این امر می تواند با رشد روحیه کارآفرینی از دانش آموزان در ایجاد راهی مستقل و همه کاره حمایت کند. توسعه شایستگی کارآفرینی در بین دانش آموزان مستلزم تسلط معلمان بر مفاهیم متعددی است. آموزش معلمان در آموزش کارآفرینی به آنها کمک می کند تا شایستگی ها، روش ها و ابزارهای خاصی را برای تشویق اعتماد به توانایی های خود فراگیران و تحریک انعطاف پذیری، رهبری و ابتکار به کار گیرند. یکی از معضلات فعلی جوامع امروز از جمله جامعه ایران مسئله اشتغال یا به عبارتی معضل بیکاری است. امروزه همگام با شغل جدید باید بر روی مهارت های آموزشی به عنوان عنصری کلیدی کارآفرینی کار شود نگاهی به کشورهای پیشرفته و در حال رشد نشانگر این است که بخش عظیمی از دستاوردهای توسعه اقتصادی خود را مدیون توسعه نگرشی اشتغال زایی بویژه از طریق ارتقاء آموزشهای مهارتی بخصوص در حوزه آموزشهای فنی و حرفه ای بوده اند امروزه آموزش کارآفرینی نه تنها جای خود را در بستر دروس دانشگاهی و در رشته های مختلف باز نموده است، بلکه در دوره های مختلف تحصیلی از ابتدایی تا دبیرستان نیز مورد توجه خاص قرار گرفته است. اما علیرغم استقبال گسترده نظام آموزش و پرورش کشور از موضوع کارآفرینی، آموزش کارآفرینی در مدارس با چالش های متعددی روبرو است که عدم توجه به آنها می تواند اثربخشی آموزش کارآفرینی در نظام آموزش و پرورش کشور را تحت تاثیر قرار داده است که مهمترین آنها عبارت است از: چالش در کیفیت مدرسان کارآفرینی، چالش در محتوا و شیوه های آموزش کارآفرینی، چالش در اثربخشی روشهای آموزشی، چالش در ابزارهای آموزشی مرتبط با کارآفرینی، چالش در حمایت های مادی و معنوی دانش آموزان کارآفرین، چالش در نیازهای یادگیری دانش آموزان. این چالش ها اگر به فرصت تبدیل نشوند، در بلند مدت آثار زیانباری را بر نظام آموزش و پرورش تحمیل خواهند کرد.

کلمات کلیدی: کارآفرینی، اشتغالزایی، نظام آموزشی، بایسته ها، دانش آموزان.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

در جهانی که شکل تغییرات آن از مقیاس زمانی قرن به ثانیه تبدیل شده است، مهمترین اصل برای سازمانها بقا و توسعه می باشد. تنوع و سرعت تغییرات به حدی است که سرعت بخشیدن به تولید فکر و ارتقای شیوه های تفکر از یک سو و داشتن نیروهای خلاق و کارآفرین از سوی دیگر، به منظور هماهنگی با این تغییرات و تحولات نو، دارای اهمیت فراوانی می باشد. بنابراین شیوه تفکر و عملکرد کارآفرینانه و خلاقانه مقوله های مهمی برای تطابق افراد با عصر جدید می باشند. کارآفرینی موضوعی است که از اواخر قرن بیستم مورد توجه محافل آموزشی کشورهای جهان قرار گرفته است، زیرا که در حال حاضر در عرصه جهانی، افراد خلاق، نوآور و مبتکر به عنوان کارآفرینان منشاء تحولات بزرگی در زمینه های تولیدی و خدماتی شده اند که از آنها به عنوان قهرمانان ملی یاد می شود (بدری و همکاران، ۱۳۸۵: ۷۴).

در سالهای اخیر با توجه به مشکلات و چالشهای پیشروی نظامهای اقتصادی و اجتماعی، نظیر نرخ بالای بیکاری، نظام آموزشی ما بیش از پیش نیاز به آن دارد تا به سمت کارآفرینی و نهادینه کردن آن در جامعه حرکت کند در حال حاضر با توجه به نقش کارآفرینان در رشد و شکوفایی صنعتی و اقتصادی کشورها و نیز با عنایت به مسایل و تنگناهایی از نظر اقتصادی و توسعه صنعتی و به خصوص بیکاری که وجود دارد، ضرورت ایجاد می کند تا به ترویج کارآفرینی و فرهنگ آن در جامعه پرداخته شود در این راستا فضا و بستر مناسب سازمانها از طرف مدیران برای رشد و پرورش کارآفرینی کارکنان از اهمیت بالایی برخوردار است. شومپیتر^۱ کارآفرینی را مهمترین عامل توسعه اقتصادی دانسته است. وی معتقد است کارآفرین یک مدیر صاحب ابتکار و فکر است که همراه با خلاقیت، ریسک پذیری، هوش، اندیشه و وسعت دید فرصت طلایی می آفریند (روحانی سروستانی و همکاران، ۱۳۸۸).

بدین منظور در سطح نظام آموزشی و به ویژه مدارس با به کارگیری مدیرانی کارآفرین نو و خلاق میتوان بستر و فرصت مناسب و مقتضی را برای رشد روحیه کارآفرینی در محیط مدارس فراهم کرد و از این طریق به روند حاکم شدن روحیه کارآفرینی و فرهنگ کارآفرینانه برکل جامعه کمک کرد. بنابر این جستجوی روشها و عواملی که بتواند به بهبود توان کارآفرینی مدیران کمک کند می تواند حائز اهمیت باشد به همین دلیل در این پژوهش به بررسی عواملی پرداخته می شود که احتمال می رود بتوانند در این هدف مهم و موثر باشند البته با توجه به نرخ فزاینده تغییر و تحولات در حوزه های علمی، اقتصادی و اجتماعی، نظام آموزشی در صورتی اثربخش و کارآمد خواهد بود که بتواند با ایجاد بسترهای لازم، منابع انسانی تحت آموزش خویش را به دانش، مهارت و ویژگی های کارآفرینان تجهیز و روحیه کارآفرینی را در آنها پرورش دهد. در این زمینه، برخوردار مدیران از این ویژگی ها، زمینه ساز پرورش و تقویت روحیه کارآفرینی در نظام آموزشی است که متناسب با شیوه فکری مدیران از شدت و ضعف برخوردار می باشد.

^۱ Schumpeter



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کار آفرینی

افزایش چشمگیر بیکاری یه ویژه در میان دانش آموختگان، زنگ خطری جدی به شمار می رود، از این رو ضروری است که برای حل این مشکل، برنامه ریزی دقیق، فراگیر و دراز مدت صورت گیرد. کارآفرینی، یکی از راههایی است که می تواند به عنوان اقدامی پایدار در جهت

اشتغال زایی مورد توجه قرار گیرد. افزایش میزان دانش آموختگان دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی و عدم توجه مسئولان به لزوم فراهم آوردن فرصت شغلی و نیز تکیه ی دانش آموختگان به نهادهای دولتی برای اشتغالزایی را می توان از از معضلات برخی از کشورها از جمله ایران دانست. (صفوی، ۱۳۹۲).

چرخه های اقتصادی همواره با توسعه کارآفرینی به حرکت در می آید فرد کارآفرین از فرصت های پیش آمده به خوبی استفاده می کند و با تغییراتی قادر به خلق اثری جدید می شود. از این رو کارآفرینی فعالیت بدیع و جدیدی نیست بلکه فعالیتی نادر است (طالبیان، ۱۳۸۱).

کارآفرین و کار آفرینی از دید اقتصاددانان، روانشناسان، تاجران و سیاستمداران متفاوت است. از نظر اقتصاددانان موتور رشد اقتصادی کار آفرینان هستند که در محیطی رقابتی جامعه را به حرکت درمی آورند و چرخ های توسعه اقتصادی را می چرخانند؛ لذا اقتصاد دانان نخستین کسانی بودند که در نظریه های اقتصادی خود به تشریح کارآفرین و کارآفرینی پرداختند. ریچارد کانتیلون^۱ (۱۷۳۰) « که ابداع کننده ی واژه ی کارآفرینی است، کارآفرین را فردی ریسک پذیر می داند که کالا را با قیمت معلوم خریداری می کند و با قیمت نامعلوم می فروشد .

ژوزف شومپتر پژوهشگری است که نقش کارآفرین را در پویا سازی نظام بازار، بیشتر تجزیه و تحلیل نمود. از نظر وی، کار آفرین باید توانایی شناسایی فرصتهای نوآوری را داشته باشد و بتواند مزایای نوآوری را داشته باشد و بتواند مزایای فرصتها را معین و با کاربزمای خود، مردم را در جهت سرمایه گذاری منابعشان در نوآوری مطرح شده، متقاعد سازد. کارآفرین کسی است که در جستجوی تحول خلاق است. و شومپتر کارآفرین را مخرب خلاق می داند. کارآفرینی یک سبک مدیریت است. از اهداف مدیریت استراتژیک است که تمام موارد را سازماندهی می کند و مورد بررسی قرار می دهد. کارآفرینی یک رویکردی برای مدیریت است که می تواند یاد گرفته شود. (دانش فرد، ۱۳۸۹).

پارسون و اسملسر^۲ کارآفرینی را یکی از دو شرط ضروری توسعه ی اقتصادی می دانند شرط دیگری به نظر آنان عبارت است از خروجی افزوده ی سرمایه. شومپتر نیز به علت نقش کارآفرینی در ایجاد نوآوری، آن را محور کلیدی توسعه ی اقتصادی تلقی می کند (احمد پور و مقیمی، ۱۳۸۵: ۴۹).

جان باتیست سی اشرف زاده و صنعت گر فرانسوی در سال ۱۸۰۳ در اثر خود تحت عنوان « پرسش و پاسخ در اقتصاد سیاسی « درباره ی کارآفرین می نویسد: « کارآفرین عاملی است که تمامی ابزار تولید را ترکیب می کند و مسئولیت ارزش تولیدات، بازیافت کل سرمایه ای را که به کار می گیرد، ارزش دستمزدها، بهره و اجاره ای که می پردازد و هم چنین سود حاصل را بر عهده می گیرد» وی اولین کسی بود که بر نقش حیاتی کارآفرینان در بسیج منابع اقتصادی بر اساس اصول بهره وری تأکید کرد (احمد پور، ۱۳۷۶: ۴۹).

۳ - ۲ به طور کلی سیر تاریخی مفهوم کارآفرینی را می توان به پنج دوره تقسیم نمود:

^۱ Richard cantillon



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

دوره ی اول " قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی " در این دوره به صاحبان پروژه های بزرگ که مسئولیت اجرایی این پروژه ها همانند ساخت کلیسا ، قلعه ها، تأسیسات نظامی و ... از سوی دولت های محلی به آن ها واگذار گردید، کارآفرین اطلاق می شد در تعاریف این دوره، پذیرش مخاطره لحاظ نشده است.

دوره ی دوم "قرن ۱۷ میلادی " این دوره همزمان با شروع انقلاب صنعتی در اروپا بوده و بعد از آن مخاطره پذیری به کارآفرینی اضافه شد.

کارآفرین در این دوره شامل افرادی همانند بازرگانان، صنعتگران و دیگر مالکان خصوصی می باشد.

دوره ی سوم " قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی" در این دوره کارآفرین فردی است که مخاطره می کند و سرمایه ی مورد نیاز خود را از طریق وام تأمین می کند. بین کارآفرین و تأمین کننده سرمایه (سرمایه گذار) و مدیر کسب و کار، در تعاریف این دوره تمایز وجود دارد.

دوره ی چهارم " دهه های میانی قرن بیستم میلادی " در این دوره مفهوم نوآوری شامل خلق محصولی جدید ، ایجاد نظام توزیع جدید یا ایجاد ساختار سازمانی جدید به عنوان یک جزء اصلی به تعاریف کارآفرینی اضافه شده است.

دوره ی پنجم " دوران معاصر (از اواخر دهه ۱۹۷۰ تاکنون)" در این دوره همزمان با موج ایجاد کسب و روند کارهای کوچک، رشد اقتصادی و نیز مشخص شدن نقش کارآفرینی به عنوان تسریع کننده این ساز و کار ، توجه زیادی به این مفهوم شد و رویکرد چندی جانبه به این موضوع صورت گرفت . تا قبل از این دوره ، اغلب توجه اقتصاددانان به کارآفرینی معطوف بود ؛ اما در این دوره ، به تدریج روانشناسان ، جامعه شناسان و دانشمندان و محققین علوم مدیریت نیز به ابعاد مختلف کارآفرینی و کارآفرینان توجه نموده اند.

جدول ۱: پیدایش مفاهیم نظری کارآفرینی و اصطلاح کارآفرین

قرون وسطی	بازیگر و شخصی که عهده دار طرح های تولیدی بزرگ است
قرن هفده	کسی که ریسک سود (ضرر) را در قراردادی باقیمت ثابت با دولت متحمل میشود.
۱۷۵۵	ریچارد کانتیلون - کسی که ریسک را می پذیرد با کسی که تأمین کنند سرمایه است فرق می کند
۱۸۰۳	ژان باتیست سه-سود ناشی از کارآفرینی از سود سرمایه مجزاست.
۱۸۷۶	فرانسیس والکر :- بین کسانی که سرمایه را تأمین می کنند و بهره میگیرند با کسانی که از توانایی های مدیریتی برخوردارند تفاوت وجود دارد.
۱۹۳۴	جوزف شومپتر - کارآفرین نوآور و پدیدآورنده فناوریهای تازه است
۱۹۶۱	دیوید مک کلاند :- کارآفرین فردی است فعال که ریسکهای معمول رامیپذیرد.
۱۹۶۴	پیتر دراگر - کارآفرین فرصت‌ها را به حداکثر میرساند.
۱۹۷۵	آلبرت شاپرو - کارآفرین مبتکر و سازماندهنده چندسازوکار اقتصادی واجتماعی است و ریسک و رشکستگی رامیپذیرد
۱۹۸۰	کارل وسپر - کارآفرین از دید اقتصاددانان، روانشناسان، تاجران، و سیاستمداران متفاوت است .



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱۹۸۵	رابرت هیسریچ: کارآفرینی عبارت است از فرآیند خلق چیزی با ارزش و متفاوت از طریق اختصاص زمان و تلاش کافی، همراه با ریسک مالی، روانی و اجتماعی؛ همچنین دریافت پاداشهای مالی و رضایت شخصی از نتایج آن
۱۹۹۰	جفری تیمونز- کارآفرینی خلق و ایجاد بینشی ارزشمند از هیچ است. کارآفرینی فرآیند ایجاد و دست یابی به فرصتها و دنبال نمودن آنها بدون توجه به منابعی است که در حال حاضر موجود است.
۱۹۹۳	آمیت ودیگران- کارآفرینی فرآیند کسب سود از ترکیب جدید، منحصربه فرد و ارزشمند منابع در محیطی همراه با ابهام و عدم قطعیت می باشد
۱۹۹۴	ویلیام بایگریو- کارآفرین کسی است که یک فرصت را درمی یابد و برای پیگیری آن فرصت، یک سازمان را راه اندازی میکند و فرآیند کارآفرینی تمام وظایف، فعالیتها، و عملیاتی را که با درک فرصت و ایجاد یک سازمان به منظور پیگیری آن فرصتها ارتباط می یابد، در بر میگیرد
۱۹۹۶	دیوید مک کران واریک فلانینگان- کارآفرینان را افرادی نوآور، بافکری متمرکز، و به دنبال کسب توفیق و مایل به استفاده از میانبرها می دانند که کمتر مطابق کتاب کار می کنند و در نظام اقتصادی، شرکتهایی نوآور، سودآور و با رشدی سریع را ایجاد می نمایند
۲۰۰۱	فرایندی که طی آن فرد یا گروهی از افراد تلاشها و ابزارهای سازماندهی شده را با کار میگیرند تا از فرصتهای ممکن برای خلق ارزش و رشد بیشتر استفاده کنند و نیازها و خواسته های جدید را به کمک نوآوری برآورده سازند. کولفر (Coulfer)

(منبع: هیسریچ و پترز، ۱۳۸۳: ۶)

کارآفرینی در نظام آموزشی

کارآفرینی، لازمه دوام و بقای سازمان ها در عرصه تحولات پرشتاب امروزی است. کارآفرینی، عامل کسب امتیازات سریع در شرایط گوناگون است و جوهر اساسی و کارساز آن نیز خلاقیت است. البته، نوآوری، خلاقیت، ابداع و ابتکار هیچ کدام کارآفرینی نیستند. کارآفرینی فراتر از همه این هاست، یعنی با هوشمندی کار کردن، نه سخت کار کردن!

تحولات پرشتاب در مراکز آموزشی بیشتر از سایر سازمان هاست و به همین دلیل، کارآفرینی در این مراکز اهمیت خاصی پیدا می کند. مدرسه ها باید در عادت ها و رویه های گذشته خود تجدیدنظر کنند و با دیدی نقادانه به وضعیت موجود، در صدد کسب راه های تازه در همه زمینه ها برآیند. در شرایطی که در جهان امروزه مدیریت بدون مرز مطرح است و در صحنه های جهانی به آن پدیده جهانی سازی می گویند، مدیران به ویژه مدیران آموزشی، باید درباره مسایل مرتبط با حوزه کاری خویش بیندیشند. هر چه تأثیر عوامل محیطی بر سازمان (مدرسه) بیشتر باشد، تصمیمات، بار راهبردی بیشتری پیدا می کنند. به بیان دیگر، هر چه شعاع محیط بیشتر باشد، پدیده های بیشتری روی تصمیم گیری ها اثر می گذارند.

ماندگاری سازمان ها، به ویژه سازمان های آموزشی، تابعی از تغییرپذیری آنهاست. هر چه جلوتر می رویم، تصمیمات پرشتاب تر می شوند و افزایش روزافزون دانش آموزان، دگرگونی و تحول در آموزشگاه، اهمیت کارآفرینی را روزافزون می کنند. (رضوی، ۱۳۸۸)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

با توجه به ساختار نظام آموزشی کشور و وضعیت موجود سطوح متفاوت مدیریت آموزشی در آن، از یک سو و دقت در ویژگیهای ساختاری سازمان کارآفرین از سوی دیگر، با واقعیتی دو گانه و متعارض مواجه می شویم.

در توضیح این دوگانگی به طور مختصر می توان گفت که هر چه از سطح مدیریت عالی نظام آموزشی به سطوح پایین تر مدیریت حرکت کنیم، ویژگیها و شرایط اعمال کارآفرینی افزایش می یابد. به عبارت دیگر، ساختار کلان مدیریت نظام آموزشی کشور با رعایت تمرکز شدید سازمانی، ساختارهای سنتی دیوان سالارانه و امکان بروز خلاقیت و نوآوری، زمینه های کمتری برای تحقق اهداف کارآفرینی فراهم می آورد؛ در حالی که فرایند مدیریت و جریان آموزشی در مدارس با تکیه بر تنوع و تفاوت های فردی مدیران، معلمان، دانش آموزان و کارکنان با ساختارهای بنیادین سازمانهای کارآفرین هم نوایی و تناسب بیشتری نشان می دهد. چنانچه تحلیل بالا را بپذیریم، نتیجه می گیریم که لازمه تحقق و توسعه کارآفرینی در نظام آموزش و پرورش، تاکید بیشتر بر سطوح عالی مدیریت آموزشی است. این امر نه تنها به سبب خلأ فرهنگی و ساختاری است، بلکه با توجه به نقش اساسی و الگودهی مدیریت کلان نسبت به سایر سطوح پایین تر مدیریت، ضروری و حیاتی است.

صرف نظر از این مباحث، لازم است مفهوم و تعریف کارآفرینی با توجه به ماهیت و ساختار نظامهای آموزشی مورد توجه و امعان نظر قرار گیرد. با این نگرش می توان کارآفرینی در مدیریت آموزشی را چنین تعریف کرد: «کارآفرینی در آموزش و پرورش فرایند منظم و مستمری است که از یک سو به شناسایی و بهره برداری مؤثر از کلیه منابع درونی و بیرونی نظام آموزشی منجر می شود و از سوی دیگر، موجب ایجاد فرصتهای جدید یاددهی و یادگیری می گردد.» این فرایند با تکیه بر دو محور آموزش فراگیر کارآفرین و فراهم آوردن زمینه های بروز و ظهور آن محقق می گردد.

درحقیقت در هر سازمانی از جمله سازمانهای آموزشی، کارآفرینان بالقوه وجود دارند، ولی باید کوشید توانایی های آنها فعلیت یابند و مهمتر از همه این که ساختارهای موجود اجازه دهند، کارآفرین ابراز وجود کند و بتواند توانایی هایش را به کار بندد. در این جا نقش مدیران سازمان از اهمیت بسزایی برخوردار است، چرا که مدیران سازمان می توانند با تاکید بر نوآوری و خلاقیت در روندهای موجود، موجب پرورش و تشویق فعالیتهای کارآفرینانه در سازمان شوند.

از آنجا که صفات کارآفرینی اکتسابی بوده نه ارثی و ژنتیکی، باید آموزش و پرورش با برنامه ریزی و سازماندهی، زمینه های رشد خصوصیات روحی دانش آموزان را در جهت ایجاد روحیه کارآفرینی فراهم کند و این ویژگی ها را در آنان بپروراند. (یعقوبی نجف آبادی، ۱۳۸۹)

اصول توسعه کارآفرینی در نظام آموزشی

ایجاد و توسعه کارآفرینی در نظام آموزشی و تبدیل آن به یک فرهنگ نهادی شده، مستلزم شناسایی و تعیین سیاستها و اصولی است که راهکارهای مربوط را نشان می دهد. در اینجا ضمن توجه به این واقعیت که ایجاد تغییرات ساختاری در آموزش و پرورش، امری پیچیده، پرهزینه و بلند مدت است، برخی اصول بنیادین توسعه کارآفرینی در نظام آموزشی عرضه می گردد.

تدوین اهداف و سیاستهای کارآفرینانه

نظام آموزشی کارآفرین پیش از هر چیز نیازمند اهداف و سیاست هایی چالشی و کارآفرینانه است. بر این اساس لازم است تمام اهداف و سیاست های کلان و خرد نظام آموزش و پرورش مورد بازنگری و نقادی جدی قرار گیرد و تغییرات و اصلاحات لازم در آنها به عمل آید.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بینش یا آرمان مشترک و تاکید بر اصل «جهانی اندیشیدن و ملی عمل کردن» دو مبنای اصلی برای تدوین اهداف و سیاست های آموزش و پرورش کارآفرین به شمار می آیند.

انعطاف پذیری

خلاقیت و کارآفرینی در ذات خود فرایندهایی منعطف، آزاد و سیال هستند. چارچوب های خشک و ثابت، سیاست ها، روش ها و قوانین غیر منعطف و یکسانی که بدون توجه به موقعیت ها و مقتضیات و به خصوص تفاوت های فردی، قطعی و لازم الاجرا تلقی می شوند، از مهمترین عوامل محدود کننده کارآفرینی به شمار می آیند. بنابراین، توسعه کارآفرینی در نظام آموزشی کشور مستلزم رعایت اصل انعطاف پذیری در کلیه ابعاد و اجزای نظام آموزشی در سه سطح عالی، میانی و عملیاتی است.

جامعیت و هماهنگی

توسعه کارآفرینی در نظام آموزشی باید با توجه به اصل جامعیت و هماهنگی، مد نظر قرار گیرد. جامعیت، بر گستردگی و شمول کلیه اجزا و عناصر خرد و کلان نظام آموزشی تاکید می ورزد. هماهنگی بر هم سویی و یکپارچگی این اجزا و عناصر دلالت دارد. توجه هم زمان به جامعیت و هماهنگی در توسعه کارآفرینی از یک سو، به ایجاد نظامی واحد، قدرتمند و یک پارچه و از سوی دیگر، به بهترین بهره برداری از منابع و افزایش عامل سینرژی در نظام آموزشی منجر می گردد.

تمرکززدایی

آثار تمرکز در نظام آموزشی را می توان با آثار تورم در اقتصاد همانند دانست. اگر در اقتصاد تورم زده، افزایش و تراکم نقدینگی سبب کاهش قدرت خرید و در نهایت کاهش رفاه عمومی می گردد، در نظام آموزشی تمرکز زده نیز تراکم قدرت تصمیم گیری در سطوح بالای هرم سازمانی، موجب کاهش مشارکت مدیران، معلمان، دانش آموزان، والدین و سایر نهادهای ذیربط می گردد. تمرکز در آموزش، سبب کاستی های متعددی می شود که مهمترین آن از دست دادن فرصتهای رشد خلاقیت، نوآوری و در نتیجه کارآفرینی در عرصه های گوناگون آموزشی و پرورشی است.

خودگردانی و استقلال

تا زمانی که مدیریت آموزشی از استقلال حقوقی، اداری، تصمیم گیری، جذب، استخدام و به کارگیری نیروهای انسانی، تشویق و پاداش برخوردار نباشد، ایجاد و توسعه نظام آموزشی کارآفرین مقدر نمی گردد. کارآفرینی بر مبنای نوجویی، نو اندیشی و خطرپذیری شکل گرفته، استمرار می یابد و این امر مستلزم وجود مراکز آموزشی است که مدیران ضمن برخورداری از استقلال و آزادی لازم بتوانند از طرحهای آموزشی و پرورشی نوآورانه استقبال و حمایت کنند و هزینه های چنین حمایتی را نیز با نگرش بلندمدت خود تامین سازند.

تعامل با محیط



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نظام آموزشی یا مدرسه کارآفرین به یقین با دیوارهای بلند و درهایی بسته پدید نمی آید. ایجاد و تقویت کارآفرینی مستلزم تعادل مستمر و گسترده با محیط اجتماعی، اقتصادی و تولیدی است. مدیر آموزشی کارآفرین باید پیوندی عمیق و همه جانبه بین مدرسه و جامعه و مخصوصاً مراکز تولیدی و خدماتی بوجود آورد تا از یک سو دانش آموزان از واقعیتها، نیازها و مشکلات اجتماعی و اقتصادی پیرامون خود شناخت و درکی صحیح و عمیق به دست آورند و از سوی دیگر، امکان شناسایی و استعدادهای آنان فراهم آید.

تاکید بر کیفیت

با وجود برداشت متفاوتی که از کیفیت وجود دارد، در نگرش کلی می توان گفت که کیفیت، اثربخشی یا به عبارت روشن تر تحقق و تجلی اهدافی است که برای نظام آموزشی پیش بینی شده است. خلاقیت و کارآفرینی در آموزش و پرورش محصول مستقیم کیفیت برنامه ها، روشها، فعالیتها و فرایندهای یاددهی یادگیری است. همان قدر که گسترش کمی برای تصمیم آموزش و پرورش و فراهم آوری زمینه رشد استعدادها ضروری است، توجه و تاکید بر کیفیت نیز برای بروز و پرورش خلاقیتها و کارآفرینی حیاتی است. آموزش بدون کیفیت، آموزشی سطحی و غیر اثر بخش است که اهداف عمیق و اصلی، از جمله پرورش خلاقیت و کارآفرینی را محقق نخواهد کرد.

شکوفاسازی استعداد و خلاقیت

مطالعات تجربی و حتی مشاهدات روزمره به روشنی نشان می دهند که کودکان، روزانه رفتارهای خلاقانه بسیار دارند. استعداد و خلاقیت کودکان در نظام آموزش و پرورش غیر خلاق و غیر کارآفرین، مجالی برای بروز و شکوفایی نخواهد یافت. در واقع، جریان قدرتمند و پرتلاطم استعداد و خلاقیت کودکان با رسیدن به سنزاد آموزش غیر خلاق به سرعت به خاموشی خواهد گرایید و نشانی از آن باقی نخواهد ماند. بنابراین گسترش خلاقیت و کارآفرینی در نظام آموزش و پرورش بیش از همه نیازمند ساختارها، روشها و مدیریتی است که توانایی شناخت، هدایت و شکوفاسازی استعدادهای بالفعل و بالقوه دانش آموزان را داشته باشد و به این امر به مثابه یک اصل بنیادی بنگرد.

تغییر و تحول

بدون شک ویژگی بارز عصر حاضر، تغییر و تحولی است که در تمام شئون اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه در حال وقوع است و بنیانها و ساختارهای سازمان اجتماعی را دگرگون می سازد. نظامهای آموزشی، نه تنها زمینه ذهنی، علمی و پژوهشی لازم را برای پذیرش تغییر و تحول فراهم می آورند، بلکه مهمتر از آن، خود پرچم دار و قافله سالار جریان گسترده تغییر و تحول به شمار می آیند. بنابراین، توجه به اصل تغییر و تحول از اساسی ترین اصول طراحی هرگونه اصلاحات و از جمله تاکید بر کارآفرینی در نظامهای آموزشی است. گرچه مدیریت تغییر و تحول در نظام آموزش و پرورش مستلزم اقدامات متنوع و فراوانی است، اما قطعاً آموزش مدیران، کارشناسان، معلمان و دانش آموزان مقدم ترین و ضروری ترین آنهاست.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مشارکت

جلوه بارز نظام آموزشی کارآفرین، مشارکت، همکاری و انجام دادن کارها و فعالیتهای گروهی است. مشارکت یعنی سهیم شدن افراد در تجربیات، اطلاعات، مهارتها و ابتکار یکدیگر به نحوی که تحقق اهداف در کمترین زمان با صرف کمترین منابع و با بالاترین کیفیت به انجام برسد.

تحقق مشارکت در نظام آموزشی، جلوه های متعددی دارد. زمانی می توان یک نظام آموزشی را مشارکتی دانست که مفهوم مشارکت در سطوح متفاوت مدیریت، برنامه ریزی، تصمیم گیری، اهداف و سیاستها، روشها و خط مشی ها، سازماندهی محتوا و تکالیف درسی، نظارت و ارزشیابی، عینیت یابد و در حکم یک فرهنگ غالب، نهادینه شود. بر این اساس، رعایت اصل مشارکت باید اصلی مهم و ضروری برای طراحی، اصلاح و بهسازی نظام آموزش و پرورش تلقی گردد.

تشویق و پاداش

عنصر اساسی کارآفرینی، خطرپذیری است. خطر پذیری نیز صرف نظر از عوامل و خصوصیات فردی، به طور جدی تحت تأثیر فرهنگ اجتماعی و سازمانی قرار دارد. کارآفرین نیازمند تشویق و حمایت پاداش است. خطاها تنها زمانی زمینه مناسبی برای رشد و موفقیت به شمار می آیند که با نگرش جامع و دوراندیشانه پذیرفته و هدایت شوند. از سوی دیگر، موفقیت تنها زمانی زمینه ساز موفقیت‌های بعدی و بزرگتر است که به شایستگی شناسایی شود و مورد قدردانی و پاداش قرار گیرد. به این ترتیب، نظام آموزشی، زمانی کارآفرین و خلاق است که نه تنها زمینه لازم را برای خطرپذیری مدیران، کارشناسان، معلمان و دانش آموزان فراهم آورد، بلکه ساز و کارها و روشهای مؤثر را نیز برای شناسایی و قدردانی خلاقیت ها و کارآفرینی ها پیش بینی کند.

نظارت و ارزشیابی مستمر

نظارت و ارزشیابی با هدف کنترل مستمر فعالیت ها، تشخیص کاستی ها و نارسایی ها، ارائه بازخوردهای به هنگام، تعیین میزان تحقق اهداف و در نهایت، نشان دادن نقاط ضعف و قوت تهدیدها و فرصت ها، صورت می پذیرد. دستیابی به کیفیت، بدون نظارت و ارزشیابی توأم با مسئولیت مقدور نیست. بر این اساس، ایجاد و مدیریت اصلاحات در نظام آموزش و پرورش مستلزم طراحی نظام جامع نظارت و ارزشیابی است.

به طور کلی، می توان گفت مدیریت اصلاحات در آموزش و پرورش و هدایت آن به سمت نظام آموزشی خلاق و کارآفرین در گرو توجه عملی به این اصول دوازده گانه است. از آن جا که هر یک از این اصول بعد یا جنبه ای از ضرورت های فرایند اصلاحات آموزشی را مورد توجه قرار می دهد، توجه هم زمان به تمام آنها و سازمان دهی طرح جامع اصلاحات، به نحوی که تمام اصول در آن به کار رود، ضروری و حیاتی است. (بهرنگی و طباطبایی، ۱۳۸۹)

نقش ها و ویژگی های خاص معلمان و مدیران کارآفرین

مدیر یا معلم کارآفرین، در نظام آموزشی نقش های زیر را برعهده دارد:



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱) الگو بودن: این نقش دلالت بر شاخص و معروف بودن مدیر در محیط، جامعه، سازمان و بخش تحت مدیریت خود دارد. مدیریت تجلی ایده هایی است که بر مبنای بینش، توانایی، رفتار، مهارت و خلاقیت شکل می گیرند. در ژاپن وقتی که امپراتور برای پنجره های خود به جای شیشه از مقوا استفاده کرد، دولتمردان تقاضا کردند که او از شیشه استفاده کند. امپراطور پاسخ داد اگر ژاپن شیشه تولید کرد، آن گاه به جای مقوا از شیشه استفاده می کنم. این ایده یک مدیر لایق است که برای کارگر ژاپنی الگو می شود و در نتیجه، او خود را وقف ژاپن می کند. بدین ترتیب مدیر آموزشی نیز باید برای دانش آموزان خود الگو باشد و ایده هایش برای همه معلمان و دانش آموزان سرمشق شود.

۲) راهنمایی و دلالت: این نقش به مدیر، معنی و مفهوم راهبر می دهد و او را به عنوان شاخص و نشان دهنده راه معرفی می کند. نشان دهنده راه کسی است که خود، راه را خوب می شناسد. مدیر آموزشی نقش مرشد (ارشادکننده) را دارد و لازمه مرشد بودن آن است که، شخص، خود خوب رشد کرده باشد. به بیان دیگر مدیر باید راه پیش روی مدرسه را بشناسد و بشناساند. مدیر آموزشی مثل فیلسوف هستی شناس است و هستی شناسی او انتقالی هم هست، یعنی باید هستی شناخته شده را به دانش آموزان خود بشناساند.

۳) جوابگویی: این نقش دلالت بر پدید آوردن پرسش ها و آمادگی برای پاسخگویی به آنها دارد و زمانی شاخص توسعه تلقی می شود که پاسخ ها خیلی نزدیک به سؤال ها باشند. مدیر آموزشی نباید پشت حوادث قرار گیرد، بلکه باید پیش از بروز خطر دست به کار شود. او باید قبل از همه حرکت کند. نه تنها باید پاسخگوی سؤالات دانش آموزان باشد، بلکه از قبل سؤالات را طرح کرده باشد.

۴) تقویت روحیه خود کنترلی: معلم کارآفرین به دانش آموزان می آموزد که همه شکست ها عامل بیرونی ندارند. بلکه باید به تلاش و انرژی درونی خود متکی باشند زیرا شکست ها و پیشرفت ها نتایج عملکرد خود او می باشد.

۵) علاقه مندی به کار: این نقش زمینه های تلاشگری و روحیه کار را برای توسعه اقتصادی فراهم می نماید. بر این اساس، روحیه پایداری غلبه بر مشکلات و داشتن عزمی راسخ برای کسب موفقیت به دانش آموزان آموخته می شود تا اعتماد به نفس در آنها شکل گیرد.

۶) تقویت و ایجاد روحیه خوش بینی و اصرار بر حل مشکلات: این نقش تأکید می کند که آموزش و پرورش باید دانش آموزان را هدفمند، واقع بین و حلال مشکلات خود تربیت کند.

۷) آموزش روحیه مخاطره پذیری: رسالت مهم آموزش و پرورش، پرورش افراد شجاع، متعهد و پرافتخار است. از دیگر ویژگی های کارآفرینان که باید به پرورش آنها پرداخت می توان روحیه دوراندیشی، مسئولیت پذیری، همکاری، دقت و کمال جویی، خلاقیت و نوآوری، پافشاری، بصیرت، خودجوشی، توانایی، سازگاری و... را ذکر کرد.

کارآفرینی مدیریت آموزشی برگرفته از این نقش هاست و مدیر باید این نقش ها را بر دیگر نقش های مدیریت ترجیح دهد. کارآفرینی برای همه سازمان ها مهم است، اما برای مراکز آموزشی از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار است، زیرا مدیر آموزشی، در جایگاه ترویج کارآفرینی است و باید کارآفرینی را به دانش آموزان یاد دهد. این همان رسالت اصلی تعلیم و تربیت است. یعنی دادن فرمان رشد فراگیران به دست خودشان است. به طور کلی کارآفرینی در کشاورزی عامل پایداری است، در صنعت محور توسعه و در آموزش عامل درونی شدن یادگیری. مدیریت آموزشی باید توجه داشته باشد که همه افراد در هر



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

حرفه ای که هستند به نوعی از مدرسه فارغ التحصیل می شوند. به بیان دیگر، مدرسه مکانی است که باز خورد آن به کل نظام برمی گردد و اگر روح کارآفرینی در مدرسه حاکم شود، اثرات آن به تمام حرفه ها تعمیم می یابد. کم توجهی به کارآفرینی در نظام آموزشی به ویژه در آموزش ابتدایی، انکارناپذیر است. جامعه و نهادهای اجتماعی مانند خانواده، مدرسه، رسانه های گروهی و نهادهای سیاسی و حکومتی باید به شکل منظم و مطلوب، کارآفرینی را آموزش دهند. برای رسیدن به اهداف فوق باید نکات زیر را مورد توجه قرار داد:

(۱) ایجاد انگیزه و علاقه در دانش آموزان و آماده سازی آنها برای شناخت مسائل اجتماعی، کار و کارآفرینی (۲) ایجاد توانایی لازم در دانش آموزان برای تجزیه و تحلیل موضوعات ساده اجتماعی
(۳) آشنا نمودن هرچه بیشتر دانش آموزان با محیط اجتماعی خاص خود و روشن کردن روابط افراد با یکدیگر در زمینه های مختلف اجتماعی (یعقوبی نجف آبادی، ۱۳۸۹)

علیرغم اینکه در خصوص ویژگی ها و قابلیت های کارآفرینی، به تفصیل بحث گردید اما به دلیل اهمیت موضوع، در اینجا به بعضی از ویژگی هایی که در مدیران و معلمان کارآفرین بیشتر دیده می شود، اشاره می کنیم:

- (۱) سریع برانگیخته می شوند. به بیان دیگر، انگیزه ی انجام کارها را دارند و آن را در خود تقویت می کنند.
- (۲) از نگرش بدبینانه پرهیز می کنند و بر سیستم عصبی خود کنترل دارند.
- (۳) در برخورد با دیگران شکیبا هستند. به بیان دیگر، تحمل شنیدن و درک ایده های مخالف را دارند.
- (۴) رفتارها و عملکردهای دیگران را از هم تفکیک می کنند و برای هر کدام تعریف جداگانه ای دارند.
- (۵) به دنبال بارز شدن و مطرح شدن نیستند، زیرا شهرت را مانع اثر بخشی می دانند.
- (۶) ویژگی های فردی آنان بر پایبندی آنها بر حل مشکلات دلالت دارد.
- (۷) از دیگران فاصله نمی گیرند، نودوست هستند و خود را با دیگران همراه و هم تراز فرض می کنند.
- (۸) به تک تک کارکنان، دانش آموزان و اولیای آنها توجه دارند.
- (۹) افکاری طوفانی دارند. مغز خود را به کار می اندازند و واکنش ها و کنش های محیطی را دائماً بررسی می کنند.
- (۱۰) از رویدادها برداشت خوب و مثبت دارند، به نحوی که حتی از برداشت های منفی نیز برداشت مثبت می کنند. به بیان دیگر منفی ها را نفی می کنند نه اثبات. به مصداق گفته لقمان حکیم از بی ادبان، ادب می آموزند.
- (۱۱) کارهایشان را در سطحی گسترده عملیاتی می کنند و از یکنواختی گریزان هستند.
- (۱۲) طوری کار می کنند که علم، توان، ذوق، سلیقه ها، استعدادها بالقوه همه در مدرسه و در جامعه به کار گرفته شود. به بیان دیگر، مدیریت نمادین خود را در سطح جامعه گسترش می دهد.
- (۱۳) منتظر نمی مانند تا به آنها گفته شود که چگونه مشکل را حل کنند، بلکه خود از طریق به هم آمیختن اعتماد، شهامت و تجربه، شروع به حل مشکل می کنند.
- (۱۴) ریسک پذیری لازمه کارآفرینی است، بدین ترتیب مدیران کارآفرین ریسک پذیر هستند و کارهای خود را معطل نمی گذارند. به طور کلی، ریسک پذیری مانع بهانه تراشی در انجام کارهاست.
- (۱۵) بین ارسال و یا دریافت پیام رابطه ی منطقی ایجاد می کنند.
- (۱۶) خلاق هستند؛ به این معنا که کارها را به شیوه های جدید انجام می دهند. (فلاح رضوی، ۱۳۸۸)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱۷) در زمان مناسب تفویض اختیار می کنند. به این معنا که به فراگیران اجازه می دهند تا خودشان بتوانند مهمترین عوامل فرایند آموزش مانند گروه ایده، فرصت ها و آزمون ها، جدول زمانی و نوع وظایف را انتخاب کنند.

۱۸) مدیریت کل گرا دارند و از فراگیران می خواهند تا به طور همزمان وظایف متعددی را انجام دهند.

۱۹) مثال هایی از دنیای واقعی ارائه می کنند تا موقعیت های مبهم و ناشناخته را به شاگردان بشناسانند.

۲۰) اشتباه کردن را برای فراگیران مجاز می شمارند و به آنها اجازه می دهند که از اشتباه و شکست های خود درس بگیرند.

۲۱) در صورت نیاز، فراگیران را تحت فشار می گذارند؛ به این صورت که برای تحویل تکالیف و وظایف تعیین شده، جدول زمانی فشرده تعیین می کنند و به طور ناگهانی تکالیف و وظایف جدید و فوری به آنها می دهند. (یعقوبی نجف آبادی، ۱۳۸۹)

نقش آموزش های مهارتی در کار آفرینی و اشتغالزایی

طرح ریزی شغل جدید

با ورود به قرن ۲۱ می گوئیم باید کارها را از نو شروع کرد و دوباره اندیشید در ۱۰ و ۲۰ سال آینده به ندرت امکان دارد که افراد به همان مهارتی مشغول باشند که بر حسب سنت ما آن ها را شغل می نامیم. بنابراین هنگام با شغل جدید باید بروی مهارت های آموزشی و مفاهیم با عناصر کلیدی کار آفرینی کار شود. از این رو سازمان های آموزش فنی و حرفه ای به منزله رکن اجرایی آموزش های مهارتی و تخصصی باید امروز و متناسب با نیازها و محدودیت های حوزه شغلی مرتبط با رشته تحصیلی تدوین گردد و استانداردها و توانمندی متناسب با این شرایط تهیه گردند. (پرند ۱۳۹۲).

آموزش های مهارتی و کار آفرینی

در نظر گرفتن نقش فرهنگی و تجربی برای کار آفرینی، باعث میشود که به شکل غیرمستقیم از این ایده حمایت شود که کار آفرینی تحت تاثیر اقدامات آموزشی است. وقتی آموزش بابتایچ یک موضوع رفتاری پیوند بخورد، آن گاه میتوان خطوطی موازی میان آموزش و کار آفرینی ترسیم کرد. در چند دهه اخیر نوآوری و اختراع جایگاه ویژه ای در پیشرفت و توسعه کشورها داشته و صاحب نظران اقتصادی آن را به عنوان موتور توسعه اقتصادی قلمداد کرده اند که با وجود ارزشمندی و پایان پذیری، بسیار ارزان و در اختیار همگان است. جامعه ای که پیشرفت خود را متکی به قوه تفکر و ابداع بداند موفق تر از جامعه ای است که وابسته به منابع مادی و طبیعی است. برخی از کشورها به دلیل وجود نداشتن منابع مادی و طبیعی، به نیروی ابتکار و خلاقیت و به عبارتی کار آفرینی رو آورده و طی چند دهه خود را در گرو کشورهای پیشرو قرار داده اند و به ویژه در عصر دانیایی محور کنونی که تلفیق اندیشه و ابتکار همراه با تکنولوژی های پیشرفته موجب ابداعات بی نظیری میشود. توجه به افراد کار آفرین بیش از پیش حائز اهمیت و مورد توجه مدیران قرار گرفته است. پرورش و آموزش مردان بزرگسال و زنان بزرگسالی که دارای آموزش های مناسب و مورد نیاز جامعه باشند، در راس برنامه های آموزش هردانشگاه، دانشکده ورشته ای می باشد. اما آنچه در کشورهای جهان سوم و ایران مورد توجه نبوده است دقت در محتوای آموزشی و مسائل و مشکلات مبتلا به افراد در جامعه و انتقال آنها به برنامه های آموزشی دانشگاهها می باشد. نقش هویت شغلی در انسان ها یکی از مباحثی است که میتواند در مجموعه برنامه آموزش در هر رشته ای بگنجد و امروزه این مساله بارش جمعیت ها و کمبود مشاغل، اهمیت زیادی پیدا کرده است. همین طور که نقش



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مهارت آموزی، کار آفرینی و خود اشتغالی در کشورهای دنیا در برنامه های آموزشی رشته های گوناگون مورد توجه زیادی قرار گرفته است (آزمون، ۱۳۹۳)

آموزش های مهارتی و اشتغالزایی

تئوریهای در زمینه ویژگی های اشتغال با کار وجود دارد. همه ی ماباین دو واقعیت آشناییم ۱-شغل ها متفاوتند ۲-برخی از شغل ها نسبت به بقیه جذاب ترند. این دو واقعیت مورد توجه پژوهشگرانی است که در زمینه ویژگی کار تحقیق می کنند و اکتش آن ها در برابر این دو واقعیت ارائه تئوری هایی درباره ویژگی کار با شغل بوده است و مقصود معرفی ویژگی های شغلی، شیوه ترکیب این ویژگی ها برای ایجاد مشاغل مختلف و شناسایی روابطی است که بین این ویژگی های شغلی است. پیش آموزشهای مهارتی با ید به گونه ای طراحی شوند که پاسخ گوی اشکال این شغل ها باشد. این یعنی آموزش نیروی انسانی متخصص و ماهر و کار آمد متناسب بان نیازهای بازار کار، ارتقای توان کار آفرینی و همچنین هدایت و فراگیر کردن هر چه بیشتر آموزش های مهارتی در جامعه و نهادینه کردن فرهنگ مهارت آموزی از ابزار کلیدی وزیر ساختی تحقق این برنامه های مذکور است. این یعنی غنی سازی شغل و در نتیجه عملکرد بهتر و اشتغال بهتر و اقتصادی برتر و جامعه ای توسعه یافته تر (رابینز و استیفن ۱۳۸۰). چنانچه برنامه های آموزشی برای ارتقای شایستگی های مبتنی بر نیاز کار آفرینان طراحی و تدوین گردد قطعا حوزه های مختلف سازمان ها و نظام های آموزشی و حتی جامعه تحت تاثیر مثبت این شایستگی ها قرار خواهد گرفت. شایستگی مجموعه ی تواناییها و ظرفیتهایی است که دارنده آن را قادر می سازد در ایفای نقش و وظایف کاری خود عملکرد مطلوبی داشته باشد. شایستگی کاربرد دانش، مهارت و نگرش است. مجموعه ای از دانسته ها و مهارت های فردی آموخته شده در فرایند آموزشی اثر بخش است. که در ترکیب مثبت و سازنده تبدیل به رفتار و عملکرد مطلوب می شود. (مهرداد، ۱۳۹۰).

کار آفرینی در نظام آموزشی

کار آفرینی در آموزش و پرورش فرایند منظم و مستمری است که از یک سوبه شناسایی و بهره برداری موثر از کلیه منابع درونی و بیرونی نظام آموزشی منجر می شود و از سوی دیگر موجب ایجاد فرصت های یاددهی - یادگیری می گردد. این فرایند باتکیه بر دوماحور آموزش فراگیرنده ی کار آفرین و فراهم آوردن زمینه های بروز و ظهور آن محقق می گردد. از آنجا که صفات کار آفرین اکتسابی است و نه ارثی و ژنتیکی، باید آموزش و پرورش با برنامه ریزی و سازماندهی زمینه ی کسب و خصوصیات روحی دانش آموزان را در جهت ایجاد روحیه کار آفرینی فراهم کند و این ویژگی ها را در آنان پیرواند. زیرا کار آفرینی رفتار است نه ویژگی شخصیتی و اساس آن بر مفهوم و نظریه استوار است نه بر شهود و بصیرت. (تاج آبادی، ۱۳۹۲).

کار آفرینی و تاثیر آن بر توسعه اقتصادی و اجتماعی

نیروی انسانی ماهر و متخصص از عوامل کلیدی و انکار ناپذیر در توسعه اقتصادی و اجتماعی هر کشور است. در واقع سرمایه گذاری در تامین نیروی انسانی نه تنها توسعه اقتصادی و اجتماعی را سبب می شود، بلکه کشور را در زمینه فنون و تخصص



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

های لازم از کشور های بیگانه بی نیاز می کند وموجبات اسقلال وخودکفایی در زمینه تخصصی رافراهم می نماید . کارآفرینان نقش خاصی در پیشبرد اقتصادی ،اجتماعی یک کشور ایفا میکنند بدین صورت که موجب خود اشتغالی شده وراه های درآمد را برای دیگران فراهم می کنند(موهانتی^۱، ۲۰۰۶-۱۰۴).

آموزشهای فنی و حرفه ای وبازار کار

ازجمله عواملی که ضرورت برنامه ریزی غیر متمرکز را طلب میکندتناسب نداشتن آموزش ها با نیاز بازارکار است. ازجمله دلایل اصلی این اشکال وجود تعامل ضعیف بین سه حوزه پژوهش ،برنامه ریزی وسیاست گذاری وعملکرد نظام آموزش فنی وحرفه ای است. برنامه ریزان وسیاست گذاران نظام آموزشی فنی وحرفه ای باید تصمیم گیری خودرا از نتایج یافته های پژوهشگران تامین کنند واصلا نباید از یافته های پژوهشی بی اطلاع بمانند .آنها باید آن دسته از آموزش ها را گزینش کنند که با پیش فرض های آنان درقبال این آموزشها سازگاری وهم سویی داشته باشد. اصولا سیاست دولت برمبنای کارآفرینی وعدم استخدام است ودر آموزش ،به ویژه آموزش وپرورش ،کارآفرینی وایجاد روحیه کار آفرینی در افراد وجود ندارد یا با آن بسیار ضعیف برخورد شده است ،با وجودی که کارآفرینی تنها در برخی رشته های کاردانش تدریس می شود ونتایج قابل ملاحظه ای در برداشته است، دراین رویکرد می توان از اقدام پژوهی به منزله یک ابزار موثر کمک گرفت ودر آن مربیان وآموزشیارانی که در جبهه مقدس نظام آموزشی ایفای نقش می کنند و از زوایای تاریک و روشن دنیای واقعی تدریس آگاهی بیشتری دارند ، دست به پژوهش بزنند و یافته های خود را بلاواسطه مورد استفاده قرار دهند . به عبارت دیگر ، علاوه بر نزدیک کردن پژوهش به دنیای واقعی ، فاصله زمانی بین تولید کننده و مصرف کننده را نیز به حداقل ممکن کاهش دهند . توجه به مختصات اجتماعی و فرهنگی نواحی مختلف لازمه ی موفقیت بودن آموزش های فنی و حرفه ای است ، واقعیتی که در یک برنامه ریزی کاملا متمرکز تحقق پذیر نخواهد بود . آموزش های دوگانه که در چند سال اخیر در آموزش و پرورش در حال اجراست ، علاوه بر کارآفرینی ایجاد اشتغال برای بسیاری از دانش آموختگان دانشگاهی ، بیشتر براساس نیازسنجی و امکانات منطقه ای پایه گذاری شده اند و این خود یکی از نشانه های موفقیت تمرکز زدایی در آموزش و پرورش است و توسعه ی فرهنگ کارآفرینی را به دنبال دارد . پرورش خلاقیت ، تفکر انتقادی ، خودباوری مثبت ، عزت نفس ، به تعامل روش تدریس و محتوا بستگی دارد ، تا برنامه ها را از فضای ذهنی خارج و به دنیای واقعی نزدیک کند .(تاج آبادی، ۱۳۹۲).

اهمیت آموزش های فنی و حرفه ای

رسالت آموزش های علمی _کاربردی ، پرورش دانشجویان خود اشتغال و خودباور است تا با توجه به نیازها جامعه ف بتوانند از طریق حمایت ها اندک دولت وارد بازار کار شوند . برای رسیدن به این هدف باید کیفیت آموزش را بالا برد و دانشجویان را به

^۱ Mohanty



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

آینده امیدوارا کرد. توسعه و هماهنگی مراکز آموزشی با نیازها جامعه از دیگر رسالت های آموزش های علمی-کاربردی است. هدف کلی آموزش های علمی-کاربردی ایجاد مهارت و دانش در فرایند تولید همراه با اشتغال در راستای توسعه اقتصادی و اجتماعی است. اکثر کشورهای جهان تلاش های تازه ای را برای تقویت آموزش های فنی و حرفه ای آغاز کرده اند. انگیزه ی این تلاش ها فائق آمدن بر مشکلات بیکاری جوانان ارتقاء مهارت های شغلی و تامین نیازها اقتصادی است و این باور وجود دارد که کسب مهارت موجب ارتقاء بهره وری و قابلیت رقابت در اقتصاد جهانی می شود در عین حال، توسعه این نوع آموزش ها اهداف دیگری (از جمله متنوع سازی آموزش ها کاستن از فشار تقاضای آموزش عالی) را نیز دنبال می کند که به واسطه همین تنوع اهداف برنامه ریزی توسعه این آموزش ها تا حدودی پیچیده می شود. ارزیابی کارایی و اثربخشی این آموزش ها و آگاهی از تلاش های انجام شده در خصوص گسترش و تقویت آن ها می تواند به کسب تجارب مفید در این زمینه کمک کند. نگاهی به کشورهای مختلف جهان که بحث اصلاحات اقتصادی را در پیش گرفته اند موید این نکته است که در راستای تغییرات اقتصادی در زمینه ی تغییرات در آموزش های فنی و حرفه ای ف گام های اساسی و مهمی برداشته شده است در واقع این موضوع حاکی از آن است که این آموزش ها نقش موثری در روند توسعه اقتصادی آن کشورها داشته و دارد و باید مورد توجه جدی قرار گیرد. (تاج آبادی، ۱۳۹۲).

نقش آموزشهای فنی و حرفه ای در توسعه کارآفرینی

آموزش فنی و حرفه ای به روشهای گوناگونی ارائه می شود. اعتقاد بر این است که دانش آموزان نباید این دوره را بدون کسب مهارت ترک کنند، و این هدف به صورت گوناگون تعقیب می شود. در برخی کشورها، مدارس کاملاً مجزا بوده و با گروه های تخصصی متعدد، هدف تقویت کارایی و اشتغال دانش آموزان را دنبال میکنند (فرانسه و سوئد) و در برخی دیگر، مدارس جامع که هم دروس دوره های نظری و هم غیر نظری را ارائه می کنند، وجود داشته و دانش آموزان برحسب اینکه قصد تحصیل در دوره های عالی را داشته و یا اینکه بلافاصله وارد بازار کار می شوند، از میان این دروس انتخاب می کنند (اسکاتلند، ایرلند). آموزش شده های فنی و حرفه ای به دلیل رسالت ها، اهداف، ساختار و فرایندهای خاص خود نیازمند توجه جدی تر به بحث کارآفرینی دارند. از سوی دیگر از جمله کارهایی که باید در راستای ایجاد فرهنگ کارآفرینی در بین افراد جامعه انجام شود می توان به این موارد اشاره کرد: ۱- در نظام آموزشی اعم از دانشگاه ها، دانشکده ها، مراکز آموزش های حرفه ای، دبیرستانها و... باید به نوآوری و خلاقیت و کار آفرینی بها دهند نه به محفوظات، اگر تفکر نوآوری در آموزش حاکم شود بخش عظیمی از نیروهای جوان ما درگیر فعالیت های کارآفرینی می شوند.

۲- مدارس و سایر مراکز تحقیقاتی باید ایجاد همبستگی نسبی تحقیقاتی با اهداف توسعه صنعتی، تحول رشته های دانشگاهی نسبت به روند تحول فن آوری و آینده نگری و اصالت بخشی به تحقیقات راز اهم وظایف خود بدانند.

۳- آموزش کارآفرینی در مدارس و شناسایی افراد مستعد و ارزش کارآفرین در دانشگاه ها توسط گروه خبره ای که در صنعت کار کرده اند.

تشویق و حمایت دانش آموختگان مستعد در سطح کشور از طریق رسانه های جمعی و کمک های مالی. (تاج آبادی، ۱۳۹۲).

ضرورت توسعه آموزشهای فنی و حرفه ای براساس نیاز بازار کار



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

به این نوع آموزشها به عنوان ایزاری برای مقابله با بیکاری ساختاری که ناشی از تغییرات در اقتصاد جهانی می باشد، نگریسته می شود. در واقع خصیصه این آموزشها، نوعی پرورش "کارآفرین" است به این معنی که افراد پس از کسب مهارت و تخصص دانش فنی، قادر خواهند بود که فرصتهای شغلی مناسبی را به دست آورند و یا در نهایت فرصت شغلی ایجاد نمایند. از این رو کار محور بودن آموزشهای فنی و حرفه ای که فرایند یادگیری فراگیران را از طریق محیطهای کار، برای آن مراکز و در درون آنها طراحی و اجرا می نماید و محتوای آموزشها را با تغییرات و پیشرفتهای حوزه تکنولوژی و به تبع آن در کارکردنهاد های اقتصادی جامعه هماهنگ می سازد، سبب شده است که این آموزشها به عنوان یکی از عناصر کلیدی جهت تحقق پیشرفتهای اقتصادی محسوب گردد و از جمله عوامل موثر در موفقیت کشورهای توسعه یافته تلقی گردد. یکی از اولویتهای مهم در سرمایه گذاری های آموزشی در تمام جوامع صنعتی، توسعه و گسترش آموزشهای فنی و حرفه ای است. و این مهم نیز از سوی نهادهای بین المللی نظیر یونسکو، یوتیواک و بانک جهانی به منزله یک استراتژی مهم به کشورهای در حال توسعه توصیه می شود. (تاج آبادی، ۱۳۹۲).

نگرش کلی بر ساختار جمعیت (جمعیت جوانان) جوانان

قشر جوانان بیش از نیمی از جمعیت کشور را شامل میشوند که سنین افراد بین ۱۵ تا ۳۴ را شامل می شود. این قشر جامعه به همان نسبت که تولید کننده می باشد، نیروی اکثریت جمعیت فعال کشور را تشکیل می دهند. در بررسی کمی جمعیت ایران در طبقه سنتی قابل تفکیک است. جمعیت کمتر از ۱۰ سال و جمعیت بالاتر از ۱۰ سال. جمعیت بالاتر از ۱۰ سال به دو گروه جمعیت فعال اقتصادی و غیر فعال اقتصادی تقسیم می گردد. جمعیت فعال اقتصادی مرکب از شاغلینی است که در سن قانونی کار قرار دارند و در یک نوع فعالیت سرگرم بوده است و نیز جمعیت غیر فعال اقتصادی آن هایی هستند که قادر به انجام کار می باشند ولی در موقع آمارگیری بدون شغل و در جست و جوی کار بوده اند. جمعیت فعال اقتصادی خود نیز به دو گروه شاغل و غیر شاغل تقسیم می گردد. جمعیت شاغل که بخش عمده جمعیت فعال را تشکیل میدهد اما جمعیت غیر شاغل که بیکار و در جست و جوی کار است و هیچ شغلی ندارند. الف) وابستگان: که هزینه معیشت آنان بر عهده فعالان است مانند خانه داران، محصلین، پیران و عاجزان از کار است. ب) افرادی متکی به خود که توانایی تامین وسایل خویش را ندارند مانند بازنشستگان. (شمس الدینی، ۱۳۹۵).

هدف از ایجاد کار آفرینی و اشتغال زایی در کشورهای در حال رشد

هدف در این کشورها عبارتست تهیه شغل کافی برای نیروی انسانی موجود که از درد و بی درمان بیکاری در عذاب هستند یا به عبارتی منظور از ایجاد اشتغال و کار آفرینی این است که در یک فرصت مناسب خواست ها و آرزوهای تمام اشخاصی که در جست و جوی شغل هستند یا میل بیشتر دارند. تحقق افزایش و ترقی سطح زندگی مردم و اصلاح وضع اقتصادی توجه بیش تری مبدول گردد و در هر گونه سرمایه گذاری در زمینه تولید از منابع ضعیف تولیدی را از طریق افزایش میزان سرمایه گذاری در آن منابع و میزان مصرف افزایش داد تا استقرار و ثبات باید از سطح عالی اشتغال جامعه عمل بپوشاند. (شمس الدینی، ۱۳۹۵)

راهکارهایی برای کار آفرینی و اشتغال زایی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- عزم سران ومسئولان عالی کشور به گفت وگو وتنشیم اصول همکاری مشترک بایکدیگر.
- سازوکار ویکدست نمودن رفتارها ی سه قوه با توجه به اولویتهای مدنظر.
- کارآفرینی و خود اشتغالی برای کمک به کارآفرینان بالقوه جوانان.
- آموزش لازم به منظور سهولت در انتقال از مدرسه به بازار کار.
- توجه به امنیت سیاسی ،قضایی ،اجتماعی به عنوان عامل تاثیر گذار براقتصاد وبازار کار.
- نظارت دولت بر طرح های اشتغال زا ونحوه واگذاری اعتبارات مربوطه.

ارتباط کارآفرینی واشتغال زایی با الگوی پیشرفت

اشتغال ازجمله دغدغه های مهم اقتصادی جوامع امروزی ازجمله جوامع کشور ایران است. بالابرن فرصت های شغلی وکار آفرینی با پیشرفت ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. مسلما هر کشوری معضل بیکاری را حل کند یا به عبارتی کار آفرینی واشتغال زایی در آن در حد روبه رو شدی باشد در آن کشور شاهد پیشرفت خواهیم بود. زمانی می توانیم اشتغال را در سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بگنجانیم که وارد بازار کار وعمل شویم واشتغالزایی وکارآفرینی صورت گیرد. به عبارت دیگر برای رسیدن به یک جامعه که خواهان پیشرفت است. طی یک دهه اخیر پذیرش دانشجو بدون توجه به ظرفیت اشتغالزایی از سوی نظام آموزش عالی در بخش دولتی ونیز در بخش غیر دولتی همرا با کاهش توان ظرفیت سازی اشتغال در بخش دولتی وتورم نیروی انسانی در بخش خدمات موجب افزایش نرخ بیکاری بسیاری از فارغ التحصیلان دانشگاه ها شده است. لذا یکی از راه کارهای مهم جهت حل این معضل توسعه کارآفرینی ومهارت آموزی در میان قشر جوان دانشگاهی می باشد. (شرفی، ۱۳۸۹).

نتیجه گیری

تغییرات در دهه های اخیر برنظام آموزشی ونظام آموزش فنی وحرفه ای تاثیر شگرفی داشته است نیروی کار ماهر با اتکا بردانش های جدید می تواند نقش مهم تری در بازار کار وتولید ایفا کند. مهارت آموزی مهم ترین وکلیدی ترین نقش رادر کارآفرینی واشتغال زایی در جامعه دارد. بابازنگری درقوانین دست وپاگیر در جامعه به پیشرفت چشمگیری در اشتغالزایی وکار آفرینی نائل خواهیم آمد. با بکارگیری مطلوب ازاهداف متعالی سند چشم انداز ودر راستای رسیدن به آنبا استفاده از مراکز آموزشی ومشاوره کارآفرینی در آموزشهای فنی وحرفه ای ومهارت آموزی بتوانیم به توسعه صنعتی پایدار در صنعت برسیم وباسعی به کارآفرینی کردن هنرستانها ومدارس آموزش های فنی وحرفه ای وهمچنین باگذاشتن دروسی برای دانش آموزان تحت عنوان کارآفرینی وبا استفاده از مربیان برجسته ،دانش آموزان کارآفرین ومستعد را شناسایی کرده وقابلیت های آنان را با حمایت های مالی وغیره در دانشگاه های کار آفرین به ظهور برسانیم.

پیشنهاد می شود:

- ۱- تشکیل ستادهای کار آفرینی در سطح آموزشده های فنی وحرفه ای برای رسیدن به بازار کار جهت فارغ التحصیلان این رشته ها.
- ۲- محتوای آموزشی براساس نیاز بازار کار ومتناسب با شرایط جامعه هدف ارائه شود.
- ۳- افزایش کیفیت آموزشی با توجه به نیازها وعلائق وتحلیل وامکانات فراگیران در تعیین اهداف کلی درسیستم آموزشی.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- ۴- فرهنگ سازی و تشویق جوانان جویای کار با هدف آموزش فنی و حرفه ای و ایجاد انگیزه کارآفرینی .
۵- ایجاد بازار کار مناسب برای فارغ التحصیلان و معاف از مالیات برای کار آفرینان.

منابع

- ۱- آزمون، الهام؛ نقش مهارت آموزی، اشتغال زا در نوآوری، کارآفرینی، ورشد و توسعه اقتصادی، کنفرانس بین المللی توسعه و تعالی کسب و کار اقتصاد و مدیریت، ۱۷ دسامبر ۲۰۱۴
- ۲- احمدپور داریانی، محمود و مقیمی (۱۳۸۵). مبانی کار آفرینی، تهران: انتشارات فرالندیش
- ۳- بدری، احسان؛ لیاقت دار، محمدجواد؛ عابدی، محمدرضا و جعفری، ابراهیم (۱۳۸۵) بررسی قابلیت کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۴-۹۰-۷۳
- ۴- پرند، ک. زین آبادی، ح. (۱۳۹۲). آموزش فنی و حرفه ای و اشتغال در ایران. تهران: انتشارات سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور، جلد سوم
- ۵- تاج آبادی، رضا؛ نقش آموزشهای فنی و حرفه ای در توسعه کارآفرینی و اشتغال زایی، همایش ملی دانشگاه کارآفرینی، صنعت و دانش محور دانشگاه مازندران ۱۳۹۲
- ۶- دانش فرد، کرم اله؛ کارآفرینی و خط مشی های کارآفرینی، فصلنامه مدیریت دولتی ۱۳۸۹
- ۷- روحانی سروسستانی، الهام؛ نادریان جهرمی، مسعود حسینی، محمدسلطان، جمشیدیان، عبدالرسول و صابری، علی (۱۳۸۸). بررسی رابطه سبک زندگی با قابلیت کارآفرینی در دانشجویان تربیت بدنی. مجموعه مقالات اولین همایش ملی مدیریت کارآفرینی و توسعه ای منطقه ای، زاهدان
- ۸- شریفی، امید؛ علی اسدی، کارآفرینی زنان دانشگاهی، پژوهشنامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۷۳-۱۰۶
- ۹- شمس الدینی، نرگس؛ مجموعه مقالات نهمین کنگره پیشگامان پیشرفت، اشتغال جوانان ۱۳۹۵
- ۱۰- صفوی، زینب؛ چالش ها و موانع ترغیب دانش آموختگان رشته کتابداری و اطلاع رسانی به ایجاد کارآفرینی و اشتغال زایی، فصلنامه نظام ها و خدمات اطلاعاتی سال دوم، شماره ۲، پیاپی ۶، بهار ۱۳۹۲، صص ۵۵-۶۶
- ۱۱- طالبیان، احمدرضا (۱۳۸۱) کارآفرینی اجتماعی، ماهنامه تدبیر شماره ۱۲۸، ۴۹-۴۸
- ۱۲- مهرداد، حسین؛ بررسی عوامل موثر در ایجاد کارآفرینی در سطح استان لرستان با تاکید بر نقش آموزش؛ فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، سال دوم - شماره ۴۰ - پیاپی ۸ - زمستان ۹۰، صص ۹۷-۱۱۴
- ۱۳- هزار جریبی، جعفر؛ توسعه ی کارآفرینی و دانش آموختگان، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی شماره ۳۰ سال ۱۳۸۲

۱۴- Mohanty, Sangaram Keshari, 2006. "Fundamentals of Entrepreneurship", Second Printing, Pretic Hall Of India Private Limited, New Dehli